

(ملکرات خارجیه)

۲۹ جمادی الاول از لندن علیحضرت شاهنشاهی سلاطین فرنگ این باب
گرفتند حصول فرموده انوار است که حکم بکوت قشون اگر گریته داده اند
مکنه چین جنگی تازه اعلان داده اند که در امور است نظایه سایر اطمینان خاطر
چینسایان شده

در اسکندریه بازم سازش و قتل اسپه اطراف آلمان شده بود که قاضی
زوجه وزیر سیاسی دولت انگلیس در مصر را در کار دخلت کرده

در تمل الازار موبکن بازم چهارمی شکسته کعبه و چهارم خرم خرم شده
اشه را در افرار برین شده که خدمه دری قس و پاریس از قوا خد شده

غزه جمادی الثانی سیزدهم اکتوبر باه انگلیسی علیحضرت امیر اطراف آلمان در چهار
دوم و درون او در و فازه دار و در گذشته از قلع ترکی و جازات جنگی اوجا

سلاوی شلیک شده و در او در حال بزرگ شاهزادگان دولت عثمانی در چهار
امیر اطراف مسلم اطلاق کرده و پزیرائی نموده

سودانیان در مسامری که از صفات سودان است خ نایانی قشون
فنه انده نموده هزاران قیدی بگرفت آورده و شایات و اهل و قور عا شایا

هم حال کرده اند که با سودانیها تقصام خود را از فرانساینها گرفته اند
از طرف محصره بر خبارت فرانسه ملوم شده که دولت فرانس و تحلیله قشاور

مستعد است شتریکه بیکر قشاور خلاف نشان مغولی بر دولت فرانسه وارد و
در مثل اینکه مارا از پاریس بیرون برده ام

امیر البحر فرانسه در دریای (فوزیم) گرش میگرد از قتلون و دفته
طلبه و چهار جواز جنگی بعیت او در (برلت) میفرستند با جوا است

انگلیس باشد
داد و جبار کس بر مغز که بجهت بیگات اموات کباری چین رفتند و در
نامورین حال که از جانب دولت آازونی در پاریس قشور فرستاده دولت

ایپانیا این باب که با تسبیل نمیکند
دوم جمادی الثانی علیحضرت امیر اطراف امیر اطراف آلمان وارد و سلاطین

علیحضرت سلطان امیر اطراف امیر اطراف سوار کالسکه مخصوصی شده و بلیه
قشور آورده اند که چه بار بار از و عام زیادی بوده همه اطراف سرست

میگردند و در قشور با نده بود که از مد و صغ بیرون است قشون
ترکی با ایسهای رسمی بد صغ بسته فرینان میان جوانای ترکی و آلمانی

کوت برادیف وزیر خارجه روس بیپاریس شده دوستی روس با پاریس
نبوت آورده اظهار داشته است که روس دوست حقیقی فرانسه است که
وزارت فرانسه هم فندق کند دوستی دولت روس تبدیل نخواهد شد چنانکه
راز در بعضی هم شکفته و تهنیتی در دوستی روس از فرانسوی نخواهد بود

امیر اطراف امیر اطراف آلمان شده بود که قاضی
در کفری و در برتن مکت علی آمینه دولت انگلیس این باب بر سر حدین گریه

مشافت داده اند و در صورت دره غیره بتصرف حکام هینت خواهد بود
قشور آلمان با بی بند هم در مقامات مخصوص صحبت و خبر خواهد شد

و از قشون آلمان هینت هم در دره غیره بیست خواهد شد و دره غیره بیست
اکاش تحت حکومت هینت خواهد بود

جاعتی که در چین بر خلاف مکنه عالیله سازش سیکر که گرفتار شده و امیر
اتحاد پاریس دولت انگلیس است میگوید که اینجات هر پرده با اطمینان

جسوزی چین راه داده اند از آنجهت شش نفر آن جاعت را قتل رسانیده
انده جاعت مخالفین دولت انگلیس را ته حقیقت میبندند که دست انداز

در کابای مکنه عالیله نماید و طرز آرازان دولت انگلیس فایده برساند اگر
انگلیس ساکت باشد که اینجات تباها شده اند صحتی از افران انگلیسی نماید

باشد چه قوت امارتین بسیار است
سوم جمادی الثانی شاهزاده (دوش) در کلاسکو انگلستان نقلی

در ضمن اظهار نموده است که مقلون است مسئله قشاور و خبر قشاور و غیره
میستون این در از خوشی گفت که حقوق انگلستان ضایع خواهد شد

در سیکل کس در انجمن (نار تپه شیلد) زمین تقریر خود اظهار داشته است
که دولت انگلیس از دوستی اتحاد دولت فرانسه حال سرت را در باید است

قشاور با حال وی که آید فعله شود چون دولت انگلیس خود را با اطمینان
است بی سیای بخش خواهد بود که دوستی است و ساز فرانسه و انگلیس در برین

در جزئی مبتدل جوارت منور یک بسیار بزرگی بشود و دوستی که حالت
درین مسئله طرف دولت انگلیس از اینه در حال سیاسی انگلیس باید در هیچ امر

نشینند و از حق خود گذزند
و اگر سفارتخانه فرانسه در کین جهت ملاقات با قان چین رفتند با شاه پاریس
و بیماری مهلک ندارد ولی از نسبت بیماری ضعیف شده است
قشون دولت عثمانی در جاج حاکم که در کربت میبند

اخبارات خارجه

آلی شاه ساهی که در دیوکت آت الیس که یکی از شاهزادگان بزرگ است همین نامه روز بروز سازش فوجی در پاریس میشن میشود و در استیمه که چه بر میخورد این میدان برافروخته را بجا مانده بسیاری از قشون را هم اراده یار که دست از خدمت بکشند

در دریای اطلس آنک چهارنی سووم سوومیکن غرق شده یکصد و چهل و نه نفر هم تلف شده اند

نواب سحاب اشرف الا شاه شاه زاده اعظم آقای شلخ السلطنه بنیم سیاحت فرستگنان از طهران حرکت فرموده رونق افزور رشت شده اند که با چند یوم دیگر از تری روانه باد کوبه و از آنجا به گلستان تشریف خواهند برد و با وجود فراموشی که همیشه متوقف بند از تری و محتاج به تمسیر بود که با گذر طهران رفقه از رجال دولت اجازه تمیر حاصل کرده و در آن تری شده چند روز بعد و با وجود که در کور باد کوبه برده مرمت نموده خواهند آورد

امپراطور در امپراطریس آلمان دارد و روم شده پادشاه ایتالیا سالها پیش نموده از روم بجا با اسلامبول حرکت فرموده اند

از اسکندریه قشون لارک شام روانه کریت شده فوج که کرون مالی لنه بجان اسکندریه مامور شده اند

جنرال لاکهارت که جزو مبارک ملکه انگلستان فائز شده عازم هند است

سفیر دولت روس مقیم پاریس با وزیر خارجه فرانسه ملاقات کرده و در زمانی شکوی فنی کرده اند

گر که بندر پوشه هیز خواله آقای دریا یکی نایب الکو در طبع فارس شده بان تجارت دست بنگ آزاد شده

از جانب آقای دریا یکی سفیر زامخو و خان نایب الکو کی بندر عباس متناز شده و بصوب ماموریت خود حرکت کرده است

آقای دریا یکی تارک کافی سن نایب بندر لجه دیده اند منتظر حکم ثانی از طهران میباشدند

مقتضی السلطنه امیر تومان مسکن دهنده دار شد العسب پاریزیم فقط شد العسب شد عمده قرارداد های مخصوص ساخته و چند نفر از نظام خود را در آن مشغول نموده و سفینه نقلی در آن قرارداد برقرار

کرده است تمام این عساکر که اقطاع بر تالی چهار تومان است بین انکرای دولت متوکل که از خود صرف نموده است

تخمینه نموده اند که بیست و هشت هزار لیره عثمانی که معادل نایب الکو روپیه و کسری باشد دولت علیه عثمانی در پاریس تالی از لارک اشرف خواهد برد

اعلیحضرت سلطان کسروی تمام دول نوشته منع شرح نموده اند که قشون زیاد و در کریت فرستند و نیز در آن کتب اظهار شده بود که فساد حالت

کریت بواسطه قشون مامور بوده اگر در کریت جمع شده اند

اعلیحضرت امیر سلطان هزار و دویست و پنجاه لیره عثمانی خبردار ایستادند

یونان کارهای نمایان نموده اند تقسیم تمام نموده

دور نیست که پادشاه یونان در مین سیر او با اسلامبول نیز بیاید

اعلیحضرت امیر سلطان از اعلان صلح کل و امنیت عمومی و تحقیق عساکر جنگ که امپراطور روس داده اظهار رضامندی فرموده اند

بموجب قایم نگاران جبل الیتین اعلیحضرت امیر شاه ایران نیز بمناسبت بارای امپراطور روس شرکت فرموده بسیار بسیار تخمین هم نموده اند

روز افزون از روسیه و بلغارستان و غیره مسلمانان بهرت که به خاک عثمانی داخل میشوند غذا و نه این پناهگاه اسلامیان هماره برسد و دارد

پروخت که اگر مسلمانان در مالک اجدید آسوده می بودند هر اینه اقدام برنا رخت شاد که ترک وطن باشند میفهمند نموده بلکه تاکنون هم آسایش ملین

در مالک اجدید از برکت دولت اسلام اگر کجا پناه اسلامیان سنی غیر از کیششان بلغارستان بهت افتاح کلیسای خود با اسلامبول آید

والاحسن است امیر افغانان بقدری محکم و ادرات و دیگر بر مال التجاره خارج به خصوص هند و انگلستان زیاد فرموده که نزدیک است ابواب این تجارت

گسته شود ولی برعکس در وستان آمده افغانان تجارت به کمال می رازد افغانان همیشه بر آن است که در سوادزمال سنگ و هند نقره و طلا از

افغانان خارج نشود چنانچه بکدر و کامیاب هم کرده است

وقایع نگار کاشان جبل الیتین می نویسد که از قدم توجه حکام کرانی روزی در کاشان زیاد میشود و جسد داری چهار تومان گندم پنج تومان خشک است

(قابل توجه ایرانیان)

عناذ ذیل را یکی از فضیله و حکمای دانشمندان بهجت درج در جبل اللئین
فیه ستاره نام نمیدادیم که پیش در آینه مقال ذکر خواهد شد چون بنام
مینه در چند نسخه تجزیه شده و لفظ کلام و حسن مقال از میان برده اند
از ناظرین محترم التماس داریم که پس از ختم این مقاله مرتباً نیز از بدو بنام
مقاله نمایند

(مقاله کی از دانشمندان)

و حکم من انی عیلة معتبة آتی ل المال حتی انجبر
و آخره قد کان جم الفنا اتة الواث حتی افقر
و حکم فاشب کان یخشی الذی فاقب و او الذی فی الفخر

و قسید که در پیشم در این جو لایق است با کسی که بنام خود را در یک قطعه
زین خوش کل و خوش منظره که چون چهره خندان خطای هزاران
و ظه و طبعی آراسته و منتهای کمال گوش از اندازه شمارش بیرون
خوشنما تا یک و ده سخنوی و انبساط و اقی از پرستاران خود شناسایی
اسم و رسم این قطعه زین را بنوع وقت در خواست میکنم می شناسند در
اول بار با یک اسم مخصوص مثل (طهران ، اصفهان ، تبریز)
و غیره ، و قس علی ذالک قدری که بموجب تقدیر و او طبیعی موجد
بلایع پیشه وقت میکنم خاستار یک آگاهی تازه میگویم که بنوع کمال
آسایش خود را بدینم و بشاسم اسما و سماعاً و خصوصاً اوقات
میگذراند با (ایران) بموجب این تعلیم ثانوی میگوئیم ایرانیان
و قسید در خارج سؤال کنند و میگوئیم مهدی هستیم فی الملک و قسید
در داخل سؤال کنند پاره از نام دم بموجب یک غیرت طبعی چشم
عبادت بر انکشاف رتبه بالا میسازیم و حتی اینکه بیایات حتی از اوقات
الذات ایالت خود هم سینه در میگویم ولی بل ملازمه بر این مسافرت
فاندر تهرنت نیست مگر تعریف بر شرف جوان و دو شتاب در جزوی کمال
از ارباب هم عالی الکفایان مراتب نکرده رجوع تواریخ و مسازت
داخلی و خارجی و در دوره دنیا با همی که علم بد چشم جرت میگردد
تا خبرتی و افسه حال کنند از محل استقامت خود ترا سلامت شنوند
که این خنایک است و دارای کلام کجاست است باید گوش میبست باید
عوضش کلام است همایه کاش میگویند در مانی هستند و در چه خایات
شمر کنند حال تخفیفش در بوده اکار پایانش نیست بعد از تحقیقات

دقیق شنیده میشود باز که از زبان یک حسن طبعی که از آن سخن است
خانه است و ایرانی هستیم ولی این همان لفظ است با هزاران سخن قاری
اندکی وقت میکنم میگویم شکستی می آورده و ب خانه خوش بر آید
الواث حتی افقر (بر حکما را باید بداند است حتی درین ماده حسن حکما
که بنای تمدن نموده است ما همیشه تعجب بودیم در روزگار که با شنید
فکری که کسی میگوید که بود در مقاله کس مجلس سبوحان میگویم گاهی که
روم خورشید و ادهد فلک اقدار سید حشید از شنیدن نام ماد شایان
این سلمان چون سینه خندان در هم میچسبند نیز از این هم میگویند باشد
اروپا را اندک اندک پیش برده خود در زمان سیمون بن اسفندیار در شهر اترنای
انجن و پیش میگذریم وقت میکنم مشایخ و مشایخ ملک با که از
پشت یو یو یو الی قنای منسوب بوده است اولی هزاره است هم
بعد هم پیش میآیم میگویم هوای بزرگی ما از تر آنم غلام بدینی کند و
منهیل آسایش ما با یک مجلس با پادشاه کل آمد و رتبه مخصوص از هزار سال
که در از معاصب و قاطع نواب خانه زندگان را با ما ره بریشان در است
اگر چه در این بدینی خوشش نمی مای موقوف در بر شده ایم ولی بموجب
یک قانون اساسی اساس شمت و بر سر که ما را این تا می بوده است
باری بموجب یک شیرین زبانی گویا که با کم از وقت سن است شمس
ملکت او در کوف مرئی نام و در که تمام نظر فرزند اقبال از نظمش
ارباب تحقق ناپدید است که مکان شتاب در خفا و آفتاب در نشان
شده اند و بیابان زندگان خود را روستن کرده اند و حکم من انی عیلة
معتة آتی ل المال حتی انجبر ایامی با یک ترتیب در اندیشه چشم
درده ایضا میگویم و اینم میگویم چه سنگار در شوش تشکیل کرده است
بسیع مافل و در چنین توش زنده گامی نیکند و در درین خرابی آسایش
بشیر کمال میداند آنرا حشمت میسای خوشی در هم شیزه
کار با از هم سخته بیست هارات و صحبت ملیانه و رتبه از نهات
اربعه و اس غمده منظر طلبه به شکفت شوشی است ایضا
بنا بر نگارش دستور العسل دستور خرد و چهار هزاران فاطمات انجمن است
پریشان روزگار از بنا بر حب وطن دوستی که از اثر اسلامانی است است
توسل بر امان عتلی وقت زده چاره میگویم ای صغای یکت
و ای پرستان یک بیست نمی بینید پریشانی های این خانه را
چسب میگویم و بسای اشک خون از چشم جاریم چاره ندایم چاره ایم

دستی از قیاس بیرون آید و کاری کند. عرفان شکست و شوم از دست
 ایرانی است. امورات بیشتر زانیده از سی عزت انسانیست
 و پس فراموشی شیوه سرگوشی آهسته میگردد. اعراج بلد قطع مرسوم
 جسد خود. مگر از موجد طوائف خائف نیستند. باور کرده اند
 که پیام آوردن را راستگو نمیدانند. راستی این طلب شکر که است
 ایاز روز بازخواست تخفیفیده اند. دستی از دور بر آتش دارند چون
 امروز با زبیری در کار نمی بینند و در ابرام فسانه میمانند
 و بد انسان بیست و ایام شان چسبیده میگردد. انان الحود المیسره و الاذم
 و الاضایع حق اینگونه قلوب کدر است حق خوی دیوگرا گرفته است
 راستی در بیشتر امور از زبانان کوتاهی و قصور است
 خیال خوب آقای ماقبل وطن پرست دروغی فریدم که جمع در سنج زبانی
 مالا که ایستاد است ما خود از وطن بای کشیدیم و از مردم و رسوم چشم
 پوشیدیم و از زبانی که اصل آسایش اینگونه مردم است در با ما فاسد
 گذاریم و فتنه ها در شدیم. مالا میگوئیم امروز بی رسوم این هنگام
 بی بسنگام بر میداریم تا آنکه کفر منشاء میگشیم. آه تا کف با حکم ما
 میوزاند. در ختم سوختم این راه نهفتن ناکی شرح این قصه جانور زنگتن
 ناکی بیج ماقبل بدون سبب بخود زحمت نمیداد حرف آید میگذرد میسره
 بر کافه خاندن میگذرد. آه آه آه آه ربه طوائف میداند تا کانه
 که تا جسمی زنی با او در پیچری بل پشیری نیز زد و با فاش شایسته هزاران
 در نش است عزت طیبی و آتش درونی مانع از سکوت است افسانه سخنان
 برای نغمه گان محمد غفلت از زبان ما در ایام لالائی میگوئیم. ای طفل
 تمام افعال عالم سرازیر غفلت برداشته و لب پرستان و ایزیت
 نهادند و از شیر علم نوشیده و بزنگانی جاوید رسیدند و تو به بخت
 چشم جهالت باز نمیکنی و پیهو شانه در جسد غفلت نغمه این ما در جهان
 عالم پستان های پراز اینکین صفا بر بالین بدبختی تو ایستاده و اشک
 عشقش بر روی روشن روانست و میگوید ای طفل چنین است تمام
 ما دران افعال خود را بنحویت میخوانند و خود را استراحت میانی بهنگام
 خوابی که از آنزه میسره و ن شده علامت میسره و ن شدن جان از
 بدنت اگر بگویم چشم از زندگانی دنیا پوشیده. فغلا است زیرا
 که بسوزد گرمی بدن و زدن نفس گاه گاه شیر زندگانی نیست پس چرا
 چشم باز نمیکنی چرا پریشم گریان من نمی بختائی افعال بسیار تمام بر

پای تو استند دست در افروختن باز دارند کرده و از شیر پستان خوشی
 نوشیده و قوای طیبی خود را شست نموده و بیشتر از آنها در سلوک کسان زندگانی
 کلبی نوشن آیین شده اند و آیین نمین نهادند و دستور بزرگی گرفته و بزرگ پستان
 در اربالین برخی قوی بینند و بائیس سرزنش برین نمیند بلکه گاه گاهی با یکدیگر
 میگویند این طفل بهت زندگانش تمام شده است هر نادری میگوید که در آن
 بیچاره باور کند میسره سکوت میگویم بیلاج تو میارم ولی گاهی میگوید تو بر زاریم
 بخود چنانست عهد میبندیم که در از گون بر زمین افتی و پیشانی اقبال با ما که تو
 تا اس که بر نیز از چشم ما در آن کف زنی از هر نادری میکند بار نادید در
 دوره عهد تو بخواهت نگاهداری و در ختم خود را که بد قاضی و ختم داشته است
 سخا شتام تباری و یونانی و ترکی و هندی چشم ما کن و از روزگار چه می بین
 حسابی بریکر عبسالی پرورد و در این ما در ایام و عبسالی بر مرم است
 این طفل خواهد بود (باقی دارد)

(طهران)

و قاضی محترم المصطفی بنویسد که چون از مصادرات حضرت مطالب اشغاف فایز را
 مان این سلطان صدر اعظم که چند روز پیش گذشته در حالت ملک و ملت ایران دست
 اوصاف نمایان آرزوی قدر دانی و قدر ازانی که شود و در فتنه حضرت آمدن شایسته
 شیخ الله السلیطی علیه السلام میباشند هر روز قاضی بنویسد و القاضی علی بن سید محمد
 میفرمایند حضرت اقدس شایسته ایام شهر ریخ لاول من ظهورم طمان علی اهل
 بقلیه که محل طای حضرت خمدارت بنایست نون اهل انور و کینه کتبت میفرماید
 فرابودند تمام شاهزادگان عظام ما و از سلطنت بزرگی دولت بود و عیان تمام در آن ختم فرزند
 مبارک اعلی و در حضرت مصادرت عینی سید اشرف حضرت شایسته ای را دیده بود که
 شصت و نیر سبب طبعه از خود شاهزادگان رجال عیان ایند که در شام و اوردی
 اهل آنک شده بود پس از صرف نماز حضرت شایسته ای را کمال خوشنودی و سرخ طینی را
 حضرت مصادرت بنای و کله اسرار و جود فرموده بود که زندگانی کتب اعلی است و اهل کتب
 علی بن عیارات صاحب قاضی عطفان مبارک فرموده این جهان بی زبان نیست این چنین است
 شاد است [ایضا] قاضی محترم المصطفی بنویسد که در شنبه هشم شهر ریخ لاول من ظهورم
 مالیه و قمره نوا استیلا شرف لاهور چون الله و کبریه در جود فرموده و از ایشیه و سبب
 و اشیا و اراکون خیر بستان که از خاتم ختمه این شده و در ایام کمال و در کمال
 در حق حضرت عاریت شایسته ایام برین سکوت این دنیا با بر آنچه میگوید که در ایام کمال
 چند روز پیش از روز عاریت نظام الدوله کافعات عالی میسره و کمال تمام جانان
 و شاهزادگان عظام را از روز اوله و الا سلام شد و در این روز از طرفین آن کتب

در این روز از طرفین آن کتب
 در این روز از طرفین آن کتب
 در این روز از طرفین آن کتب

حکم پنج سال بهفت یا ده سال میکنند و گاهی هم میگویند که تا حکم مدینه بود که
حکم قیده سال کرده یا حکم قتل داده حکام مدینه شهر حکم رمانی یا تخفیف است
میکنند فخره ای که باید هم حکم شود از روی قانون در آن در آن کسیرهای میزند
شده و غلظت خلاف است ولی بسا دیده که که کوی کای کشته یا سوری قتل شده
در دادگاه سیاسی هندی هم بسوزن نفس بسیار است که اعلیٰ التخصیص
نمی برد از هم و از جمله فواقی که در دادگاه سیاسی این ملک است یکی آن
چنانچه که اگر کسی جسد نازدی کرده و پول یا مالی از کسی برده پس از آنکه
و ثبوت جسم و اجراء سیاست هر قدر ظلم رسیده فریاد کند که مال من شده
چسب مال را از او وصول نمیکنند کسی بگریزد یا در میان مردم دورتی که در دادگاه
باین مثال گرفتار کنند در آن صورت مال را بجا میزنند و میدارند و در دادگاه
سیاست می کنند اما اگر جسم طفل غیر مکلف یا مجنون باشد پس اگر مجرم
طفل باشد و جسمش ضعیف باشد چند روز در زندان بپرستند یا بکشند
او او را می کشند و اگر جسمش سنگین یا عادی بدنام و در حجاب جرائم شده
او را این سنه در مجلس کتبی که مقرر است برای اینگونه احوال بیچارگان
در آنجا محسوس اند و بحسب شهاده نظری او در استعماری باز میدارند خواه
تعمیل علم انصاف و سه فتنه می بکشند گاری هر چه که طبیعت است
از برای آموختن آنچه بداند پس از انصاف و ترحم طفل بی عار لایق
کار و صنعت شده بسودن می آید در حالیکه بجز بیست و نه اداره
در معاش خود کند ولی بجز کسی را با رای آن نیست که مجرم خواهد
باشد یا در قهر بفرط ظلماری دوری نگاه کند که اگر اجناسی در جنگ این چنین
دری شینج با یکی از آنهاست تمام ملک آن محسوس کتبی مجرم و از دست خدمت
مردول شخص و جنگ و تالار مجرمین و قید است حکایت سلمان شدن که
که روز برند و شب در زندان هستند و اگر مجرم مجنون باشد و ثبوت
پریشانی و داغ و غلظت عقل استنها و نامرغیر حکام معتبر دولتی تابند و مجرمین
مخصوصی که برای مجازین مقرر است گذاره و تنوع لباس و خوراک و معاش
آنها شده و تا حکمت تداوم و علاج آنها میگویند که شاید مرغ عرض
کرده و اگر مرض منفع شده او را که کرده نزد کسان آقا ریا و میرسانند
و از برای جامع عنوان هم مانند مردان است که فرقه قضا محسوس است
که آنها محسوس جدا و اینها محسوس جدا گانه دارند انصاف و عقل واقع نشود
و در این حکام هیچ تباری بین شاه و گزافه فقره غنی نیست هر یک قانون
بسته و حکم هر یکی چنانچه اما در حق آنکه هندی که حکم هر یک رشته بسته اند

ولی در ضمن مالی یورپ شاید در بعضی مواقع سبب فاتح بودن و مالی
شود چنانچه یک و بار دیده شد
ایرانی - سانسه بود که اگر جسم فراری شود اگر بعد از حکم گرفتاری
بدست نیاید و گرفتار نشد متعرض غارت و اهل و کسان می شود
هندی - اگر تمام عمر هم مجرم میدانند و از ملک و علاقه این دولت
فدا کننده کسی با این فایده و در آن مکان او کاری نیست و دیوان اینجا
دیوان بلخ نیست این امور را در ایران است نه در هند
(استر آباد)

وقایع نگار جعل المیتن میسوزند از روز و در جناب جلاله کاتبان
آقای آقا از السلطان امیر تومان دام قباله باستانه و اما مال نهائات
کلی باین شهر داده شده و او را منع تریاک کشی تا اینا نظم عمل شکردی که توسط
سکار امیرالاداره و الهام آقای مختصر نظام میکار در نهایت انظام است
حق خدا قای مختصر نظام بانایب و فرارش و عزت شب کرده مستند اگر کسی بد
هم شب پس از ساعت چهار از شب رفته بیرون بیاید گرفته محسوس میکنند
اشخاص محرم و نامورین دولت اگر اسم شب داشته باشند با و فرزند او
رساننده سعادت میمانند و با صدی هم اسم شب میزند ثانی تنقیح
شده است که جناب جلاله کاتب غزالی حکم فرموده که هر کس دم در خانه او
کرده همیشه گوید با و بازار ناپاک باشد این حکم نفسی اجرا شده که بسیار
شکر فایده نطق نشسته درین هوای رطوبت استر آباد کسی نمی تواند
بواسطه ابله راه از منزل اش بیرون آید گذشته ازین چون گاو و شب
روی قبرستانها هم می خوابیدند با نیت منع فرموده که گاو و ناراشک شب
بمنزل خودشان میرند و وقت خواب که گاو داخل هر دروازه میشود صدای
که وقت بمنزل میرند دیگر در کوچه و بین راه با نوازه که راه را فرخا که
و هم در شب هم آن بوده که مردم را صد صد بزند لاله الهام و حکام طلب سوختن
آمال میشود مثل سایر حکام که جامی دیگر معمول است که پس از روز و روز
شده مخصوصا نامورین کافه آنچه ای بر کس داشته اند که در نهایت انظام باشد
جناب مستطاب اهل انجمن عالی آقای نصیر السلطه امیر اکرم والی استر آباد
مقرری حرکت خواهند فرموده

سواختیاری چهار صد نفر بر است عمده الهام و الهام فرام نامور
و بسته آباد دارند سواختیاری وضع شده اند
(السلام)

ایرانی

محبین مبارک و شگفت بین مقدس است که اگر کوشش یک قرن پیش
 و سی صد سال پیش در آن دوره از قریب است بر این برسیلهای
 مخالفت ملل جنبه چون نه سکندر استوار و محکم مانده بلکه در بروز قوت
 گرفته است اگر چه جنگی و اختلافات منجبی مانع بر ترقیات اسلام نبود
 امروز روز غمی در تمام عالم جنبه اسلام اتی نماندی و اگر با این همه احوال
 و ضعف اسلام و استیلا و قوت اجانب مسلمانان رفع اختلافات فرود می آید
 و با اصول مذہب که گنجا و اخلاقیات است عمل نمایند در قیاس زمان آب رفته
 آتیه بوی با رخا بر آید ای اسلام ای اسلام ای دین مقدس اسلام مؤمنین
 قوانین الهیه ای حضرت خیر البشر شاه دین این دین مقدس را حق حکم بنهاده
 که تا به اله بر پیله و مستقیم مانده که شجره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماوات
 در در کمال شود و فاست چو ستمه و دایع الهی در اثرات خلیات بخش
 توفی کلبا کل من باذن ربها هر سه دور و کامیاب میگردد و این قول کن
 نیست قول مخالفین اسلام است دست و پیرا کی یکی از یاسینون با دانش
 او کاست و بر یکی از تقریرات خود میگوید که در سیاست بانی دین محمد
 اسلام همین یک نکته کایست که بانی اسلام را چنان بر شاه دین مملکی بنهاده
 که سب صد سال است با کمال قوت مخالفین کوشش در انحصال سلیمان و صد هفتاد
 و مسلمات بی در پی بر اسلام و ضعف و فغانه جنگی خود مسلمانان نموده هنوز دین
 مقدس اسلام در عالم طبع آواز و در تمام کره ارضی قوت دوم مسلمانان اند
 و با این همه موانع از مردم شماری نامی تازه ظاهر شود و در افسه زون دین
 مقدس اسلام در قوت روحانیت او آرزو است دست و پیرا موصوف
 میگوید که در هیچ جنبه از سازا فاریت بیک حمله مسلمانان نیست و با بؤ
 شده چو دیت با نیک سعی کوشش نصاری و اسلام از عالم کالعدم شده
 و اینک بی صد سال است هزاران عده بر اسلام شده و می شود ولی اید با اسلام
 اثر نمیکند این نیست مگر اگر میان اسلام محکم که آرد شده دست و پیرا
 میگوید که کوششات بی صد ساله نصراحت را اندام و انهدام اسلام یک
 نتیجه بخشیده است یعنی قوت سیاسی مسلمانان را شکسته این بر میگردد
 که مسلمانان معدوم شوند بقول دست و پیرا قوت سیاست اسلام را هم ملان
 شکسته عدم پیروی اسلامیان با حکام اسلام این نتیجه بخشیده اگر
 اختلافات مذہبی در میان مسلمانان نمی آید و اسلامیان مشغول بخانه
 جنگی نمیشد هر آینه مذہب نصراحت باید درجه در عالم توجع نمیکرفت و
 قوت سیاست اسلام بر طرف نمیکرد و دید هرگاه قبیل از انحصال کلیه اسلام

و اسلامیان با زخم مسلمانان بر پیش آمد و پیروی دین مقدس از ستم و انهدام
 و اخلاقیات است و کوششین عظیم اسلام است پیروی نمایند و در قدها جاری
 اسلام با سینه همان قوت و شوکت اولیه اسلام خود خواهد کرد و چه بسند
 شیراز که اسلام از هم نگسسته و اوراق قرآین دین مقدس مناشی نشده
 پس ازین عنوان خیر و امان نصراحت را مینه میکند که سلاطین نصاری
 بیست جلالت سیاست اسلام سالی کافی اند اگر خیر و امان نصراحت
 خواستگاه که دین سیح عالم را فسخ کرد و رنگ آری که مسلمانان را با بؤ
 آرد و آتیه را متفق کند نژاد بر اگر این ترقیات روحانی اسلام یک مرتبه
 دیگر مسلمانان بیدار شوند و بر پیش آیند دیگر خواب شدن آنها محال است
 و میدان را از دست نصاری خواهند گرفت تا جانی که ممکن است با بؤ
 و کوشش شود که مسلمانان بخواب نمانند و اختلافات مذہبی آنها پیش نرود
 مانع جنگی آنها امانا که در دور انحصال دنیا بودی اسلام همین نکته که اختلاف
 مسلمانان باشد کایست هر قدر خیر و امان نصراحت را قوت باشد باید
 در دره طباس از زبان خود مسلمانان اختلافات آنها ایش کرده و غیره غیره

(جمل مستین)

ف و چسبند ز نیم و ششم هنوز که دشمنان همه کور است کوشش
 ای متدینین برود الو قای اسلام ای متسکین کمل اللین شریعت محمد
 اسلام سیر و مسلمانان با و می شود رقای اسلام عالمی را شکر کرده یک
 مشت مسلمانان مفضل با قیست یکی خواب غفلت با چند پیرا غیر خود
 نخواست اند که چشم گشاید و نیک در برادران خود بنگرید و به رسید
 کس اینکه بار که شای سنگی بود و بسند وزارت پای می نمادند امر و کار
 شان بزدبانی و که الی کشیده قدری بر یکب بگردد و بریم که سبب
 و بجزان و ملت تنزل با قیست چه بوده آخسته ما از ترا و اسلام سالی
 می شیم که اسلام را ترقی داده آخسته ما از تبار مسلمانانی هستیم که مگر در قوا
 اسلام را بر یک عالم معانی شصت تریس میداند چه شده که اینک یکدیگر
 نفع شخصی را بر یک دنیا مانع اسلام تریس میداریم آیا حبه عدم پیروی
 با حکام مقدسه اسلام سیح سببی از انحصال با دیده میشود آیا کینه ففاق و
 اختلافات مذہبی و تریس چیز بر هم زدن قوت باشد است بالله آنچه بر
 آورده فغان است ففاق و آنچه بر سر بیاورد اختلاف است اختلاف
 اختلاف آیا در مذہب نصاری بنوده و نیست آیا در میانه مذہب پیوسته
 اختلاف بنوده و نیست چگونه آنها رفع اختلاف کرده اند چه قوا آنها برادر و

در تریقات مذموبه و نیای خود میگوشتند آنرا انسان نام نهادند و اینها
نوع اختلافات مذموبه خود را به نامیم یار و است که در محبت مذموبه از اسلام
بتوهم بوجود اسلام اگر مسلمانان بخود نیامند و در سایه خود مانع اختلافات
خود را نمایند که از بزرگن اسلام از میان میروند و نشیند نمایند یعنی کس
از دونه نیست چه بود روز تا تکلیف که خورشید برسی چرخ زمان

(طهران)

وقایع نجار جبل المتین منوبه جناب خطاب اهل انجمن قای و بجان فرستاده
که از ایمان و اعتراف بیچاره زاده مسلم فرزند طاهره بزرگ دولت علیه ایران بشانند
و سالیانه در مکه منبای بزرگ ایالتهای مسلم ایران بزرگان در افواج قاهره سر کرده و بزرگ
پسین زارتهای بزرگ سرفراز و تخب و دند همیشه مذمت مسلم از نظر نظر کیا اثر
ای حضرت شایسته نور الله تعالی بچای مسلم در درجه شایسته شایسته بودارت
حکوکات که از وزارت های مسلم هم است و در فرار شده تا تا یک کوه صید ایالت
علیه مسلم بوده و عمل سکوکات نهایت مسلم در انگلو و عرف بود اهدی توانست
از اینجاست بزرگ مسلم ذره مذموبه بکرد و درین عهد فرخنده اعلی حضرت قدر
قد بر جای بی ابر و ارج العالین و الله اینه مصدر مذمت و وزارت های بزرگ
بوده اند نظریه سابقه حکمت و حسن سلوک مسلم از نسبت بر عا یاه سیاست و لنگ
دانی و رموز انست نگاه داری سرمد بر حسب اراده خاصه طو کاه مذموبه
اختیاری فرافغانی ملکات (استرآباد) و (اترک) و (کرکان) و
در همان (فرخنده تخب و برشته ار شده جناب جلالتاب اقتدار السلطان که
بعلاوه مشرف و نسبت اخوت مسلم خود یکی از رجال با سیاست نمیکند
صدیق حبه یار از نموده دولت علیه از بنای الملک مکی آن ملک تخب
و برشته فرمودند و مدت اینست که تشریف فرمای استرآباد و کل بلوس و
حکمرانی آن ایالت علیده است شده نهایت تمام داد و اندر مد بزرگ چنان
داده اند که از همه جهت ظاهر مبارک اعلی حضرت اقدس جوی ابر و ارج العالین
و الله و شمس شمس صدقات علی آن سرمد و ایالت آسوده و خوشوقت نموده

(پارفروش)

وقایع نجار جبل المتین از یازده و شش می نویسد که در بندر مشهد روی هم
ای ده و دوازده چهارات تجارنی از ازال القاره شاپین آمده شاپین نیز
نمده شاپین سرباق برین رسم بود که تکان و مردمان از نلی وقت سیاه
آورده معاد و وقت میفرود خنده و غالب استتالی و در آن خرواری
غیرش می رسیده و اهل بار فروش از بندر مشهد سرباره یاری کرده و در

آورده میفرود خنده و یکصد تومان هم محرک مالیات علیه شده و این راه
مردم مردن لال بودند این اوقات حسنی از تجار که نامشان را نباید ذکر کرد
همه ست شده این حسن که تجارتش عام بود و مخصوص بخود نموده اند اینها
تکلی در بار خنده شش زخت مرد شده چنانچه این اوقات رفت از فروداری
دو تومان میفرود شده تو به حضرت ایالت درین اوقات ب زخت علیه شده
البته لازم است بعد آن صد تومان که عاید دولت همیشه از میان برشته
تا بعد پیش آید

(بندر انزلی)

وقایع نجار جبل المتین می نویسد که در اول سال حاصل زراعت برنج کمی است
همه با بساتین خشکی و قلت آب پر فرود شده ولی بعد از آن رحمت از نلی
شامل حال بندگانش شده بارانهای فراخ بارید که بعد اینوقت جز
برنج بوجبه لاه است
از ابتدای سال خنده خنده نهاده است تا آورده که میستم بیع المانی که قریب
ششاه و بیست و بیست و شش فروز چهارات با بی و بخاری تجاری
از روسته وار و بندر انزلی شده تمامی آنها ازال القاره خارج شاپین آمده
و ازال القاره و بندر شاپین رفته است حسنی از آنها هم که ازال القاره خارج
شاپین نموده اند ازال القاره و بندر شاپین رفته اند این روسته تجاری
گرفت که در و سه سال چهارات تجاری که دار و بندر انزلی می شود متجاوز از
پانصد فروز هستند داخل و ادنی که از نلی ازین یک کنگنه ظاهر است وزارت
حکمت خود آهنگار خواهند کرد

(شیراز)

وقایع نجار جبل المتین می نویسد که از توجهات خواب اشرفه الا حضرت
فستان فرما اختلف و اقتصاد ایالات بمعدل با منبت شده است
ایک سال سوم است که جناب بدلات با قای ضمه الملک وزارت
فازش میگردند کمال خوش سلوکی را با ماضی عام دارنده تقسی با ارباب احتیاج
و ملاکین و اهل عطا ف و ستیری سلوک نموده اند که درین سه سال مورد
شکایت اهدی بگردیده اند این بیکه اگر چه و طیفه تمام حکام نامورین دولت
علیه جاشد ولی در فارس خیلی اجمیت دارد چه سوسای از غمرا اندر دگیری رضایت
ندارند چنانچه از وزیر سابق کمر کسی نمی بود قای سیر الملک درین سه سال وزارت خود حال
خبر بیکه موجب آبادی کلت نیز بسیار نموده اند چنانچه این کم با کنگنه از راه و در تنظیم سیر
از تو نیز نموده اند از بهر آنکه چون تجار از دونه ترومان معارفان شده و در دونه ترومان در کوشش در اجا

نیکوکار
شود و خجسته

(کارزون)

وقایع محاربه جبل المتین میسر شده که جناب همه السلطان آقا میرزا نصر الله خان
که سابقا از جانب ایالت فارس نایب الکوشه بیدر عباس بود و این ایام
با هم میگویند که کارزون شده با اینکه چند روزی پیش نیست بکن اموریت
خود و اندک شده کمال اهتمام را در نظم بدو وضع اثر دارد و در چنانچه اخیرا
شخصی را قتل رسانده و فرار کرده بود و فرار از آن با طرف فرستاده تا
در سیکر نموده و از پیشتر آید

بنای خلیج فارس

چون میگویند وقایع محاربه جبل المتین از بندر شهر میسر شده ملت علی بکردن آقای
بیر السلطنه از فارس که به تحقیق رسیده و نسل دولت انگلستان که حال تمام فارس بشا
و میر دولت انگلستان که در طهران است آمده اند که با حرکت دولت فارس آقا می
السلطنه را در شهر خائف بنیالان استایند و دولت انگلستان و فارس به شایه میانی
شده است که تا بهشت سال حکومت خلیج فارس آقا می سلطان الله و آقا میرزا علی محمد
با یکدیگر در امور خلیج فارس که در سراسر فارس است و در تمام فارس است
که در تمام فارس السلطنه را در زاده آقای نظام السلطنه داشته و به بندر و سال
میان و باقیست ازین رو آقای میر السلطنه بنای حکومت خلیج فارس امور شود
بعضه و اصلی بهر جهت باشد این وقت ملت اصلی همانا بندر است
آقای میر السلطنه تارک کافی دیده بود و بعضی نکات دیگر را هم وقایع نگار
جبل المتین نوشته که مناسب حال خود نگارش نمایند حال سیاست
داشتند ایران خود ملققت می شود بندر لنگر ناکون بهمان منوال است که بود

از جمله افواهاست که شنیده می شود قابل توجه رجال دولت علیه می باشد
آن است که حکومت معتد با هم آنگه بیدر عباس پدرو در در جاده با بود
و دولت علیه صرف ستم ایامه است نرسد می کند چون تمام این کردانی
می باشد که در قایب با مقصود آنه دور نیست که در جنگ حرکت جاپان شده
غذا اگر آنچه می حکومت با استقلال درین بنا و نیاید و آنچه لازم و دفع
فلسفه نمود خیالات حکومت مصلحت خود را گرفت همسایگان با و صفا
بجز منیل فری دل شده اند کارش زیاد و برین از و کینه نامیب است

(اخبارات داخله)

مکر و تدبیر و حیله در لنگر ناکون پیش ازین بنیاد منظور نموده است که در

بندار و در در بندر مقدم و نیز برای فرافرا صرف تا به
در بود و در اخرت نظام و کن اسنال القاب است از شمار بیرون
همین القاب است که مست که میداد و آنگاه کرده است
در آرد و وی برلی بنفتم هم اکتوبر و از ده تنگ بدوی در
پولیس میسوی چند قطع الیرق را گرفتار کرده که کوشش و مانع چند نفر و اینها
برید بودند
سیا شامان و کانی و قوایب و صلح مستقیم شده ایافت گمان و اینها
بعد ازین روز در و فرایس هم مان پشات را اله انداخته
سیا شامان پشات همان چند و این ایام مخالفت کلی شده و در نیست که
خنگ نمایند

در در پروی است و چهار نفر از خوف طاعون فرستاده اند
در کویته شش نفر از طاعون طاعون طاعون بخانه بود و داری برنده اول خود و از
هفت کلو در سانه زود و بر سر هم مجسد و خود و چهار هزار و پند و در
قیمتی را بر داشته تر کرده اند تاکنون خبری از سایرین نیست
موجب نوشته اخبار مجلس لار الکن را مسته کلاه استون بنفشه میانی
احساب نموده بود و در و موصوف چهاره هم خیال مسته کلاه استون
بقول اخبارات و می یکی از افسران ملکر افغانه آرد و پانزده کی از دانات
شکار مینموده در معین شکار طفلی از دست او صدمه خورده و دانی از دام
کرده تنگ اند که در اگر قوه اندکی هم زد و کوب کرده اند پس از چند شدن
تنگ را از دایمان گرفته و چند نفر هم زد و کوب کرده بود و دیگر قاری بند
در لاسل بود و در مقام نو آبادی جناب اعمارتی بهر جهت نصب ساقی می باشد
که هم رفع احتیاج در دم شود و هم آب نیت شهر کرد
لا و الکن را فرمای چند بنده هم و سمیرد سیاحت جاشام از و در
کله خوابنده

و او را نصف دناش از خوف طاعون فرستاده اند
علما تیکه در کرای قشخانه با ما آیین و غیره را مصاف می کرده و مشا پشان
یازده روید و این ایام دو رویدار مشا پشان آنها کم کرده آنان بی خود
ار کار کشیده اند
هزار آجه کشید و در او حد از سن در می میوایان طریق با هزار و
پانصد روید و در از نموده
هزار آجه کشید و در او حد از سن در می میوایان طریق با هزار و
پانصد روید و در از نموده

حکومت می برکت کند بود عودت به بود نموده است

در باره بندگاه در اسراگون و طمون رویه صرف شده هنوز چهل روز دیگر باید صرف شود

در فتح پور نیز مسلمانان انجمن نموده برتصدد رویه بهیست و العلوم علیکده جمع شده است

افزاد است که ستر تک اراده دارد به انگلستان فتحه انظار نظم نماید یک هفته در مبلغ بشویشا پور چهار نفر مقتول شده انگور به جمده هم روز بروز در آرد و باد است

پل نهر گها که بنه افزای هسه اقتراح خواهند کرد بنام الکن بن بوسه شکره در بمبئی بعد از تتره جتس با لادی انجمن شده و فیضه هم حکومت پیش نموده که در هندو (یا ستره انستوت) قائم شود

در مقام ترجمانی در اسر با سله نظام طامون فساد شده مسلمانان از او طامونی را اکتش زده از قشون با سله استت فرساده شده

از فسه این چنان ظاهر شود که قیمت فقو تری کند بخداخانه بنا باز شود به شهادت که در کرسن کشن داده شده به باب امید واری شده است

شاهنای ماه آهن بدیده که سال آئنده در هند اقتراح شود امتزاج از لندن حاصل شده از انجمل ساختن ماه آهن و پلی و شهره اگره است

دفتر حکومت هنده در سوم و سبزار شد بلکه فراد آید قبل از پارتو هم در کلکته باز خواهد شد

چیف کورت من باب بقده نطلای در کرسن کشن اقتراض کرده که موافق ضابطه عمل شده لهذا از فده الحکمی جواب طلب کرده است

در ماه و سبزه هسه علیا حضرت ملکه انگلستان را که سال گذشته بیا کرده و اینک سیاهی را از او برده از حکومت ملکه نصیب فراد کرده

چون آریا یکا کجس را داده بر آنست که اسالی در در اسراگون بنشیند و این اوقات صدای طامون در در اسر بلند شده شاید کاجکس موافق شود

بیتدیجهای دیگر نمایند

بسیکی یکی از صاحب پیمان ملت نخب تعلیم افتد فارسیه ستره تمانی دو طمون رویه بهیست که خود را که سالانه یکصد و بیست و پنج هزار روپیه مثل اوست وقت کرده بهیست ساختن و العلوم را در بنور سنی اینها ملت بهیستد اگر با بابا اینها سلوک نمایند و ملک وطن خودشان در دو هم می آید

(عرض شکر)

بسعادت چو اجمعه شنبه ششم ماهی الشالی که سلطان با سعیت دوم اکثر به ماه انگلیسه بود تحسه یک به برترم جبل المتین مولانا اعلال الدین الحسینی ششیمان کلکته و مضافات در حینه مشبه که گول که هئی که از عبارات عالیه میباشد بدین معنی انجمن نموده که در باره خطبه کران بهای طوکانه

جناب جلالتماب اهل کرم انجم نواب بر حسن لده خان بهادر کی سی سی آی ای دام قدار عالی که من باب تحیه حینه الان واقعه در شهر داکو فرستاده

انظار شکر بنمایند این مجلس رکب بود از شاهراد کان طیل القده ماذان شاه آوده و مسوریه و عاید کجسار ایرایت و غیره و غیره پس از انصاف انجمن و از دام ششیمان بر کار شریعتد بر قبه العصر افتخ نمود و کیندی دشمن العلم

سلطان الله تعالی صدر و جناب اسله آبا اکثر بر زاسهم صاحب سکر تری و بصتر انجمن قبا یافته در برترم جبل المتین مولانا اعلال الدین الحسینی سنده و انگلستانه رات است کرده شرکای انجمن را بسنده افاده پس آن رای شرکای انجمن بدین قرار یافت که شکر نامه ذکر در اینستى مخصوص

بنیات تمام ششیمان کلکته و مضافات برده که رفده معنی شکر صدور ششیمان را بسنده صدور اذنت جناب مستطاب اهل کرم انجم نواب بر حسن لده خان بهادر کی سی سی آی ای دام قدار عالی که

انشاء الله ماشیح حرکت هیست خصوصه را با مقنون شکر نامه از فده عالیه ششیمان بوقت خود فرادیم گماشت

بجول عبارات انگلیسه تر قیات حریه افغانستان از توجهات انا حضرت عبدالرحمن خان در بریه رسیده که باب توشش برده و بسایه خود شده

در در افندون نیز در تر قیات مسیه بر سامی جاهاه است در سله برده امده افغانستان رفح احتیاج خود را از ظاهر کرده است و توپ و تفنگ کارخانه افغانستان ملی کارخانهجات اریه است تهیه را که افغانستان دیده و بسینه تا

بر کیشایش افغانستان است تا چند سال بعد با یکی از سده همسایه خویشانه نرم خواهد کرد

کسی از اخبارات همسایه که حشره فالفت دولت طله از از افریضه و لشکر نوبه ستره از طرف دولت فارسیه بود ایران سخن برانند بیکر برده دولت خود را در دفع علم باکی

ترقیه میدهند حال که بهیست ملل فارسیه آرد و در امنت ترا از ایران کلکی شکر نامه

ملت فارسیه بود و ایران از دولت خود خود رعایت از بر سر حق از بر سر حق

در موضوع سن جدیدت خواهیم کرد
(تمه ملکرات)

بخیار استخفاف اندمی نوینند ظاهر اولت فرانسه نیم راضی است جنگ
دلی در دولون انتظامات جنگ برنگی دیده اند جبارات جنگی قشون و
سورسات و تورمانه و غیره در کمال سرعت آماده شوند اند که بکسبت
رقته بودند بهر اطلب کرده در گویدهای جبار سازی شبانه روز مشغول
بسی اصلاح جبارات یافته میباشند

فیه نامهای همگام (در سه روز یک) فرودار از چین خواهد شد
دولت آمارونی بندر (دیگو) را رسا و کافا تصرف کرد
گرفت در ادیف در پاریس اینکد را وقت داده که مسلک نشاوه از بدیشت
و بلوهای گذشته بلند درین امور تدارک کافی باید دید
چهاردهم جمادی الثانی امم و کلاسی حکم داده که رپورت مجرا چند روز
قاهره ملکرات یافته

در پیرزائی اعلیضرت امیرالهدر المان در اسلامبول قشون با رنی چیده میمانند
مغضی و امالی اسلامبول خلی النهار خوشوقتی نموده اند در قوشلای زیدیه
بسیح علی بالا کمره جبارات آهمنیده بسپکونه بیری که از اعلام مست
نیغاشته

دولتین روس فرانسه این مسازت امیرالهدر المان را بمنزرت خطه
سیکنند روس خوف دارد که اتحاد المان و عثمانی فعل در کساده اول انداز
دند اند از دند داری حفاظت میویان مشرقی دست بردارد

در پیکانکه چیسناویان راهی را با جمعی دیگر که تازه در نصرانیت مشا
شده بودند بقتل رسانیده دولت فرانسه همین آینه دیده نموده که اگر غلی
در آسایش مایای او واقع شود اختیارات پیکانکه بچینه خود خواهد کرد
چشم جمادی الثانی اخبار طرس المجره انتظامات در وزیر را بدین معنون
نخاشته که انتظامات دره غیر بدست حکومت بینه خواهد بود و در

گوزن انتظامات سیاسی دره مذکور را فیصله خواهد نمود که تحت حکومت
چنای بینه آرگیده بدست حکومت بینه و جماعتی از افریده پهلوانون
یکدیگر خواهند گرفت ملی تمام افران آنها انگلیسی خواهند بود و نموده کنای
سلاح خانه خواهند کرد که در وقت ضرورت شواری پیش مایه را بپندگی
کسب یا آینه صاف همسواره خواهند کرده مسافتن راه آهمن با آن سر
و جمعی خیمه و تبدیل نظامات یکبر بینه برای فرافرمای بدیده خواهد بود

ایکستان بر اثر عامل پورتت جنبه را چیده و از راه قاهره شده فنده در
پاریس خواهد شد جنبه با هم ایمن خود سالم و در کمال آسایش از پورت
جنبه را چیده واقعات فشا و در انا اول سفیر کوشیل از لندن سردار کوشیل
بظاهر میدارد ...
مغضی حالات را مجرا چیده میمانند
که تا چه مقام را بقیصه آقدار حجه را آورده بکسبت حفاظت خود را که اندام
در سر کوبی سودا بهناسی بیسغ بکار میرود

استبارت شده اند من باب تقصیر بر هر کس در مقام ناز چیده نیست
نخچه مینی میمانند

ششم جمادی الثانی در وایسته دکتری که بکسبت تحقیقات کرم طاقون در
دلایرتی مشغول به امتحان و تجسبه بود بقیصای طاقون شده بهر کس
و تیمار داران او بینه دو چار را بمنزله قریب الموت اند
سودا بینه چیده نفر سپاهیان بسکسب موجب قشون (ایدراف) را میرود
کر قه قشون رسامیده نقدینه را بعبارت برده

ایکستان بر اثر که عامل رپورتت مجرا چیده بود و از راه پاریس گردید
(استخبارات)

کتاب مستطاب سوال جواب سسی به ذخیره المعاد از روح محمد اسلام
و المسلمین حاجی شیخ بن العابدین مانده رانی طالب تره مع حواشی و
مطحات جدیده از خلف اند شده ایشان سرکار شریعت ارباب الامام
محمد کاسلام جنای حاجی شیخ محمد حسین مجتهد العصر و امم فله الکتاب
باختره کما که فاعلی در بیعی کسبلیطع در آمده و جمی از علماء و مجتهدین
بیغ نموده اند که بیستون کسبت از فطنه از دره و باجمال این کتاب سخا
باین غری و محنت بیغ نشده بهر کس طالب باشد باین نشان طلب نماید
یعنی بابی اند تالیب ارکهار بی بیای آقا سید محمد علی شیرازی با کوشیم
(کلکسته)

در این بقیصه باران در کلکسته تیاده بهر ایکنه ریه از اقدال سبب
بعضی واقعات سرده و سخن وقت گم است عین امده در تبدیل مردم ششم
واقع می شود ولی شکایت از احمد افن را بکسبت حرم کس طاقون که کوبه
دیر زمان ایست از کلکسته ریشه کن شده اند و کلکسته را از دره و باجمال
رقیصه که بکسبت سادین کلکسته در ریه بوده آریه از جماعه را بکسبت
تا بهار سوم سرانامورین تقشیه عطا حرم کوش و در کسبت در صفای شوم کمال
وقت شود از رانی کلکسته نسبت به سابق غلی فزونی کرده است